

Effect of Philosophy Program for Children on Happiness, Quality of Life, and Mental Health on Children

Nadia Khaleghi¹, Mahdieh Rahmanian^{2*}

1. M.A Student in Psychology, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 172-183

Corresponding Author's Info

Email: m.rahmanian@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 2024/10/05

Revised: 2024/11/21

Accepted: 2024/11/28

Published online: 2025/02/28

Keywords:

Children

Happiness

Mental health

Philosophy Program for

Quality of life

ABSTRACT

Background and Aim: With the aim of developing mental abilities and improving the cognitive level of children, the Fabak program seeks to increase their social, moral, and cognitive abilities through their active participation in philosophical discussions and interactive learning. The present study aimed to assess the effect of the P4C (Philosophy for Children) program on the happiness, quality of life, and mental health of children aged 9-12 in Tehran.

Methods: Accordingly, 30 individuals were selected as a sample and randomly assigned to two experimental and control groups (15 in each group). Both control and experimental groups completed the 29-item Oxford Happiness Questionnaire (1989), the Quality-of-Life Questionnaire for 8-12-year-old children (2003), and the Mental Health Assessment Questionnaire for Children and Adolescents (1984). Consequently, the experimental group students were trained for 10 sessions of 60 minutes with P4C exercises for 10 weeks. In addition, the control group remained in waiting mode. Following the end of the sessions and two months later, the mentioned tests were performed for both experimental and control groups. Data were analyzed in SPSS software (version 24) using analysis of covariance.

Results: The results indicated that the impact of the P4C program on happiness, quality of life, and mental health among children aged 9- 12 years in Tehran was significant.

Discussions: It can be concluded that the P4C program can be used as an effective tool to promote happiness, quality of life, and mental health among children aged 9-12 years. This positive impact can be attributed to the educational methods of P4C, including encouragement of critical thinking and participation in philosophical discussions.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Khaleghi N, Rahmanian M (2025). The Effectiveness of Philosophy Program for Children on Happiness, Quality of Life and Mental Health on Children. *JECHE*, 5(4, 18): 172-183. DOI: 10.32592/jeche.5.4.172



CrossMark



فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی



زمستان ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۱۸)، صفحه‌های: ۱۸۳-۱۷۲

اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان

نادیا خالقی^۱ و مهدیه رحمانیان^{۲*}

۱. کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: برنامه فبک با هدف پرورش توانایی‌های ذهنی و ارتقای سطح شناختی کودکان، از طریق مشارکت فعال آنان در بحث‌های فلسفی و یادگیری تعاملی، به دنبال افزایش توانایی‌های اجتماعی، اخلاقی و شناختی آن‌هاست. پژوهش حاضر با هدف اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال شهر تهران انجام شده است. **روش پژوهش:** این مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری ۲ ماهه به‌شمار می‌رود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه کودکان پایه سوم تا ششم دبستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند، ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای گرفتند (هر گروه ۱۵ نفر). هر دو گروه کنترل و آزمایش پرسش‌نامه ۲۹ سوالی شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹)، پرسش‌نامه کیفیت زندگی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله (۲۰۰۳) و پرسش‌نامه ارزیابی سلامت روان کودکان و نوجوانان (۱۹۸۴) را تکمیل کردند. دانش‌آموزان گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تحت آموزش با تمرینات فبک در طول ۱۰ هفته قرار گرفتند و گروه گواه در حالت انتظار باقی ماند. پس از پایان جلسات و ۲ ماه بعد از آن، آزمون‌های ذکرشده برای هر دو گروه آزمایش و کنترل به اجرا درآمدند. داده‌ها با آزمون تحلیل کوواریانس در نرم‌افزار SPSS24 تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد تأثیر برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال شهر تهران معنادار است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه گرفته می‌شود که برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال مورد استفاده قرار گیرد. این تأثیر مثبت به دلیل روش‌های آموزشی فبک، ازجمله تشویق به تفکر انتقادی و مشارکت در بحث‌های فلسفی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

صفحات: ۱۸۳-۱۷۲

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

m.rahmanian@pnu.ac.ir

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

واژگان کلیدی

فبک (فلسفه برای کودکان)

شادکامی

کیفیت زندگی

سلامت روان

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

خالقی، نادیا؛ رحمانیان، مهدیه. (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان. فصلنامه سلامت

و آموزش در اوان کودکی، ۵ (۴): ۱۸۳-۱۷۲

مقدمه

مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت هر فرد، دوران کودکی است؛ زیرا این دوران نقش مهمی در پایه و اساس جامعه دارد و بی‌توجهی به آن نتایج جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. کم‌توجهی به کودک در این دوران و عدم هدایت صحیح در روند رشد تکامل او موجب اختلالات و ناسازگاری‌های رفتاری پس از این دوران می‌شود. نتایج چندین سال پژوهش در زمینه روان‌شناسی نشان داده است که برخلاف باورهای اولیه، کودکان نیز در معرض خطر ابتلا به اختلال‌های روانی قرار دارند و در مجموع ۷ تا ۲۶ درصد از کودکان به انواع مشکلات و اختلال‌های رفتاری و هیجانی مبتلا هستند (اروجی اقدم و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات و سیاست‌گذاری باید از تمرکز بر نقاط ضعف روان‌شناختی به سمت تقویت نقاط قوت افراد و بهبود جنبه‌های مثبت مانند شادکامی^۱ و رضایت از زندگی^۲ حرکت کند. علم روان‌شناسی باید بیشتر به ارتقای این موارد توجه کند؛ زیرا باعث رشد فردی و اجتماعی و بهبود سلامت روان^۳ می‌شود (بارکلی^۴ و همکاران، ۲۰۱۶).

برای قرن‌ها، شادکامی به عنوان یک مؤلفه اساسی در زندگی بشر مورد توجه قرار گرفته است. ارسطو^۵ فیلسوف یونان باستان (۳۲۲-۳۸۴ پیش از میلاد)، معتقد بود که خوشبختی محرک نهایی در انتخاب و عملکرد مردم است (پارک^۶ و همکاران، ۲۰۱۳). شادکامی یک پدیده نگرشی است؛ به این معنی که درک و اعتقادات فرد از خوشبختی بر تجربه واقعی خوشبختی تأثیر می‌گذارد (گیو^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). به طور کلی، سه مؤلفه اصلی فراوانی و درجه احساس مثبت یا لذت، نبود احساس‌های منفی از قبیل افسردگی^۸ یا اضطراب^۹ و نیز سطح متوسطی از رضایت‌مندی در تمامی دوره زندگی را دربرمی‌گیرد که دو مؤلفه اول به جنبه‌های عاطفی^{۱۰} و مؤلفه آخر به جنبه‌های شناختی^{۱۱} خوشبختی مربوط است و از بُعد شناختی نیز چنین فردی، نسبت به دنیای پیرامون خود نگرش مثبتی دارد و با دیدی خوش‌بینانه به اتفاقات و رویدادهای اطراف خود می‌نگرد (خوش‌کنش و همکاران، ۲۰۰۸).

در کنار شادکامی، کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی^{۱۲} یک معیار در کارآزمایی‌های بالینی و مراقبت‌های بهداشتی مورد استفاده قرار گرفت (۶). کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، مفهومی چندبُعدی است که دربرگیرنده جنبه‌هایی از کیفیت زندگی است که می‌تواند تحت تأثیر ابعاد مختلف سلامت از جمله سلامت جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی افراد باشد و هدف نهایی کلیه فعالیت‌ها و مداخلات مرتبط با سلامت در دوره‌های مختلف زندگی از جمله کودکی، افزایش کیفیت زندگی مرتبط با سلامت است (رادمهر و همکاران، ۲۰۲۱). اخیراً سازمان سلامت جهانی^{۱۳} به دلیل اهمیت کیفیت زندگی کودکان در مدرسه، مسئله مورد نیاز کشورها را ارتقا بخشیده و بهبود رفتار و وضعیت زندگی دانش‌آموزان در مدرسه را اعلام کرده است. کیفیت زندگی در مدرسه عبارت است از بهزیستی و رضایت کلی دانش‌آموزان از تجارب منفی و مثبتی که در فعالیت‌های درون‌مدرسه‌ای آن‌ها ریشه دارد. این تجارب مثبت و منفی که شکل‌دهنده ادراک کلی دانش‌آموز از میزان رفاه، بهزیستی^{۱۴} و رضایت کلی وی از زندگی درون مدرسه است، حاصل مشارکت و درگیر شدن او در فعالیت‌های مدرسه بوده و بیانگر سطح رضایت روزانه دانش‌آموزان در مدرسه است (جلیلی و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، توجه روزافزون به موضوع بهداشت و سلامت روان در هیچ‌جا محسوس‌تر و چشمگیرتر از متون

۱. Happiness

۲. Life Satisfaction

۳. Mental Health

۴. Barclay & et al

۵. Aristotle

۶. Park & et al

۷. Guo & et al

۸. Depression

۹. Anxiety

۱۰. Emotion

۱۱. Cognitive

۱۲. Health-Related Quality of Life

۱۳. World Health Organization

۱۴. Well-being

مربوط به نیازهای بهداشت روانی کودکان نیست. سازمان جهانی بهداشت سلامت روانی را فقط فقدان اختلال روانی نمی‌داند، بلکه آن را حالتی از رفاه و آسایش در نظر می‌گیرد که طبق آن هر شخصی خودش را توانا و بااستعداد می‌داند و می‌تواند با استرس‌های طبیعی زندگی کنار آید، از سبک هویتی مناسب بهره‌مند باشد و به‌طور موفقیت‌آمیزی کار کند و در اجتماع مشارکت داشته باشد. ازاین‌رو در خانواده، والدین در تربیت فرزندان نقشی بسزا دارند و چرخه زندگی و روابط بین والدین و فرزندان جزء اصلی‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در نوع تربیت نقش بسزایی داشته باشد (صانعی و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش‌ها نشان دادند که نابسامانی‌های خانوادگی در افراد به افزایش استرس آن‌ها منجر می‌شود و در نتیجه با افزایش یافتن میزان استرس، سلامت روان آن‌ها نیز در خطر قرار می‌گیرد. ازجمله عوامل استرس‌زا در این پژوهش، عوامل اقتصادی مانند بیکاری است که می‌تواند به نابسامانی‌های خانوادگی منجر شود (کاستا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت زندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بهزیستی فردی و اجتماعی، تأثیر بسزایی بر رشد و توسعه کودکان دارد. حدود چهار دهه پیش، «ماتیو لیپمن»^۲ برنامه فلسفه برای کودکان^۳ (فبک) را با هدف پرورش مهارت‌های تفکر فلسفی^۴ در دانش‌آموزان معرفی کرد (ملبورف-هالبرت^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). مبنای فبک برپایه رشد مهارت‌ها در گروه و در ارتباط‌های اجتماعی و متمرکز بر ایجاد کندوکاو فلسفی در کلاس درس است (لنج^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). اما از آنجا که نوجوانان برای خواندن متن‌های فلسفی نیازمند انگیزه هستند، مواد آموزشی که ماتیو لیپمن برای کلاس درس‌ها طراحی کرده است، کتاب‌های داستان هستند؛ زیرا داستان به دلیل جذابیت و سروکار داشتن با احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوان زمینه بسیار خوبی برای ارائه مفاهیم فلسفی به نوجوانان است (ناجی و همکاران، ۲۰۱۷). چهارچوب فلسفه برای کودکان دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا در گفت‌وگوهای فلسفی شرکت کنند و محیطی را ایجاد می‌کند که بتوانند در آن افکار و احساسات خود را بازتاب دهند. بنابراین هوش هیجانی و مهارت‌های مدیریت روابط خود را تقویت می‌کنند (لم^۷ و همکاران، ۲۰۱۲؛ پالا^۸ و همکاران، ۲۰۲۲). مطالعات نشان داده‌اند که کودکانی که در برنامه‌های فلسفه برای کودکان شرکت می‌کنند، در مقایسه با همسالان خود که در چنین تحقیقات فلسفی شرکت نمی‌کنند، مهارت‌های استدلالی بهبود یافته و ظرفیت بیشتری برای همدلی نشان می‌دهند (جنکیس^۹ و همکاران، ۲۰۱۰؛ دنیل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱). این رویکرد با بهبود توانایی دانش‌آموزان برای مدیریت احساسات و سطوح استرس مرتبط است؛ زیرا آن‌ها یاد می‌گیرند که افکار و احساسات خود را در یک محیط حمایتی بیان کنند (الظاهری و همکاران، ۲۰۲۳؛ کاراداک^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده است که درگیر شدن در بحث‌های فلسفی می‌تواند به ارضای بیشتر این نیازها منجر شود که ارتباط نزدیکی با بهبود سلامت روان و شادی کلی دارد (کبیری و همکاران، ۲۰۲۲). چهارچوب آموزشی این رویکرد، کودکان را تشویق می‌کند تا افکار و احساسات خود را بیان کنند و حس تعلق و اجتماع را که مؤلفه‌های ضروری کیفیت بالای زندگی هستند، تقویت می‌کند (ونسلیگم^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۱).

ازاین‌رو برای دانستن اینکه چه چیزی سبب می‌شود افراد خود را شاد تصور کنند، به قضاوت نیاز است: قضاوت درباره علایق دور و دراز و خواسته و آرزوی زندگی بهتر داشتن. از آنجا که قضاوت درباره آنچه ما را خوشبخت می‌کند، نیازمند در نظر گرفتن پیامدهای برآورنده آرزوهای خاص است، کودکان لازم است که این کار را تمرین کنند و یکی از عرصه‌هایی که به طور جدی

۱. Costa & et al

۲. Lipman

۳. Philosophy for Children

۴. Philosophical Thinking

۵. Malboeuf-Hurtubise & et al

۶. Leng & et al

۷. Lam & et al

۸. Pala & et al

۹. Jenkins & et al

۱۰. Daniel & et al

۱۱. Karadak & et al

۱۲. Vansieleghem & et al

اندیشه انسان را به خود مشغول داشته، «فلسفه» است. بنابراین قرار گرفتن دانش‌آموزان در اجتماع پژوهشی، آن‌ها به سمت و سوی ژرف‌نگری و تلاش برای خودارزیابی و خودارزشیابی در زمینه مهارت‌های فکری و هیجانی سوق می‌دهد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال شهر تهران انجام شد.

روش پژوهش

الف. طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

طرح پژوهش حاضر کاربردی و از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری ۲ ماهه است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کودکان پایه سوم تا ششم دبستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها ۳۴ نفر به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفته‌اند (هر گروه ۱۷ نفر). قابل ذکر است که به دلیل ریزش در طول پژوهش، به جای ۳۰ نفر، نمونه آماری ۳۴ نفر در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود عبارت‌اند از رضایت والدین، داشتن هوش طبیعی و عدم وجود اختلالاتی همچون اختلالات یادگیری و دیرآموز بودن دانش‌آموز براساس پرونده تحصیلی‌اش و نداشتن عملکرد تحصیلی ضعیف براساس مشورت با معلم. ملاک‌های خروج عبارت‌اند از ابتلا به بیماری خاص، استفاده از درمان دیگر در طول تحقیق و غیبت بیش از دو جلسه.

ب. ابزار

۱- پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (OHI): پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در سال ۱۹۸۹ توسط مایکل آرگایل و همکارانش با وارونه کردن جملات مقیاس افسردگی بک، جهت سنجش شادکامی ساخته شد (بارانی و همکاران، ۲۰۲۳). این پرسش‌نامه ابتدا روی نمونه‌هایی از دانش‌جویان و بزرگسالان انگلیسی اجرا و توسط خودشان نیز هنجاریابی شد. این ابزار سطح شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی افراد را می‌سنجد. این پرسش‌نامه ۲۹ گویه‌ای، یک مقیاس چهارگزینه‌ای است که بر روی یک طیف لیکرتی از ۰ (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات این پرسش‌نامه بین ۰ تا ۸۷ است که نمره بالاتر نشانه شادکامی بیشتر است. پرسش‌نامه دارای ۵ زیرمقیاس (رضایت از زندگی، رضایت خاطر، حرمت خود، خُلق مثبت و انرژی مثبت) است. روایی این پرسش‌نامه به روش واگرا با پرسش‌نامه افسردگی بک -۰/۶۹ گزارش شده است. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی ۰/۷۸ آلفای کرونباخ گزارش شده است (علی‌پور و همکاران، ۲۰۰۷). در نمونه ایرانی، علی‌پور و آگاه‌هریس (۱۳۸۶) روایی به روش تحلیل عاملی اکتشافی را بررسی کردند و نتایج آن‌ها نشان داد که این پرسش‌نامه ۵ عامل رضایت از زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خُلق مثبت دارد که ۰/۶۸ واریانس را تبیین کردند. همچنین آلفای کرونباخ برای کل فهرست برابر با ۰/۹۱ بود (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بود.

۲- پرسش‌نامه ارزیابی سلامت روان کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۴ ساله (CSI-4 براساس DSM-IV): پرسش‌نامه ارزیابی سلامت روان کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۴ ساله (CSI-4 براساس DSM-IV) توسط اسپرافگین، لانی و گادو در سال ۱۹۸۴ طراحی شده است و به منظور ارزیابی مشکلات روانی و رفتاری در کودکان و نوجوانان بین ۶ تا ۱۴ سال به کار می‌رود. این پرسش‌نامه شامل ۴۱ سؤال است که به صورت چهارگزینه‌ای پاسخ داده می‌شود. گزینه‌ها عبارت‌اند از «هرگز» (۰)، «گاهی»

۱. Oxford Happiness Inventory

۲. Children's Symptom Questionnaire

(۰)، «اغلب» (۱) و «بیشتر اوقات» (۱) و پاسخ‌دهی توسط والدین یا معلمان انجام می‌شود. هدف اصلی از این پرسش‌نامه شناسایی مشکلاتی مانند اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی^۱، اختلال سلوک و اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۲ است. این پرسش‌نامه دارای زیرمقیاس‌های اختلال رفتاری و هیجانی، نافرمانی مقابله‌ای و اختلال سلوک پرخاشگرانه و غیرپرخاشگرانه است. برای ارزیابی روایی این پرسش‌نامه، اسپرافگین و همکاران هم‌بستگی آن با مقیاس‌های رفتاری کودک را برای ADHD، اختلال سلوک و ODD به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۸ و ۰/۲۷ گزارش کرده‌اند. همچنین، قهاری و همکاران (۱۳۷۵) جهت تعیین روایی بین فرم معلم و فرم والد در مرحله اول، هم‌بستگی ۰/۸۹ را محاسبه کردند که با سطح اطمینان ۹۹.۵ درصد و احتمال خطای ۰/۵۸ درصد، اعتبار چک‌لیست تأیید شد. در مرحله دوم، هم‌بستگی بین نتایج فرم معلم و فرم والد ۰/۹۳ به دست آمد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد و احتمال خطای ۱ درصد نیز اعتبار پرسش‌نامه را تأیید کرد (دلاور و همکاران، ۲۰۱۹). پایایی این پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۶ محاسبه شده است (ذوالکفلی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این ابزار است.

۳- پرسش‌نامه کیفیت زندگی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله (PedsQL): پرسش‌نامه بررسی کیفیت زندگی کودکان توسط وارنی و همکاران در سال ۲۰۰۳ طراحی شده است و برای ارزیابی کیفیت زندگی کودکان در گروه سنی ۲ تا ۱۶ سال به کار می‌رود. این پرسش‌نامه شامل ۲۳ عبارت جداگانه است که عملکرد کودک را در چهار زیرمقیاس مجزا ارزیابی می‌کند: عملکرد فیزیکی (۸ عبارت)، عملکرد عاطفی (۵ عبارت)، عملکرد اجتماعی (۵ عبارت) و عملکرد تحصیلی (۵ عبارت). پاسخ‌ها در این پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است که شامل گزینه‌های «هرگز» (۴)، «خیلی کم» (۳)، «گاهی اوقات» (۲)، «اغلب» (۱) و «همیشه» (۰) است. نمره هر زیرمقیاس بین ۰ تا ۱۰۰ قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که نمرات کمتر از ۲۵ نشان‌دهنده کیفیت زندگی پایین، نمرات بین ۲۵ تا ۷۵ نشان‌دهنده کیفیت زندگی متوسط و نمرات بالاتر از ۷۵ نشان‌دهنده کیفیت زندگی بالا هستند. در مطالعه وارنی و همکاران (۲۰۰۳)، روایی و پایایی این ابزار در آمریکا بررسی شده است. همچنین در ایران، روایی محتوای این پرسش‌نامه برای کل ابزار ۰/۸۴ و برای زیرمقیاس‌های عملکرد جسمانی ۰/۸۰، عملکرد عاطفی ۰/۸۶، عملکرد اجتماعی ۰/۸۳ و عملکرد تحصیلی ۰/۸۸ گزارش شده است (محمدیان و همکاران، ۲۰۱۴). در این مطالعه، ضریب آلفای کرونباخ نسخه کودکان ۰/۸۸ و نسخه والدین ۰/۹۰ محاسبه شد که بیانگر پایایی مطلوب پرسش‌نامه است.

۴- جلسات برنامه فبک: این رویکرد آموزشی که توسط متیو لیپمن در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، بر اهمیت گفت‌وگو و تحقیق مشترک در میان کودکان تأکید می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا ایده‌های پیچیده را کشف کنند و دیدگاه‌های خود را در یک محیط حمایتی توسعه دهند (کسیدی^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). در این پژوهش، آموزش فلسفه برای کودکان به‌عنوان متغیر مستقل شامل ۱۰ جلسه است که زمان هر جلسه ۶۰ دقیقه بوده که در این جلسات تمرینات برنامه فبک (هفته‌ای یک‌بار) با استفاده از منابع آموزشی مناسب و با به‌کارگیری روش اجتماعی پژوهش که تلفیقی از داستان و سؤال لیپمن و فیشر است، اجرا شد.

جدول ۱. خلاصه جلسات برنامه فبک

جلسات	محتوا
اول	هدف: معرفی افراد کلاس به یکدیگر و بیان دورنمای کلی جلسات به کودکان اجرا: تسهیلگر بعد از معرفی خود و بیان نحوه برگزاری جلسات، برای برقراری ارتباط متقابل و ایجاد انگیزه به کودکان از آن‌ها سؤالاتی پرسید.
دوم	هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع همدلی و همیاری اجرا: قبل از شروع کلاس، داستان «تو فقط شبیه خودت هستی» ارسال شد و در کلاس با همکاری تمامی افراد داستان بازگویی گردید و به سؤالات

۱. ADHD

۲. ODD

۳. Zulkifli & et al

۴. Pediatric Quality of Life Inventory

۵. Cassidy & et al

از قبل آماده شده پاسخ داده شد.	
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع خودآگاهی، درک و پذیرش خود	
اجرا: قبل از شروع کلاس، داستان «سنباج‌ها وارد می‌شوند» ارسال شد و در کلاس بعد از مرور آن با همکاری هم، چالش‌های ایجادشده را بر طرف کردند و به سؤالات پاسخ دادند.	سوم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع کنترل خشم	
اجرا: بعد از نمایش انیمیشن «زنان کوچک»، برداشت هر کودک بیان و اشتباه‌ها سارا مورد بحث قرار گرفت و در نهایت به سؤالات از قبل آماده شده پاسخ داده شد.	چهارم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع اهمیت کتاب و کتابخوانی	
اجرا: بعد از شروع کلاس، با اشتراک گذاشتن عکس مفهومی، هر کودک برداشت خود را نسبت به عکس بیان و درمورد نظرات مختلف خود بحث کرد و در نهایت کودکان به جمع‌بندی نهایی رسیدند.	پنجم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع زندگی و مرگ	
اجرا: قبل از شروع کلاس، داستان مرگ بالای درخت سب ارسال شد و در کلاس بعد از مرور آن با همکاری هم، مفهوم‌های مختلف تعریف و به سؤالات آماده شده پاسخ داده شد.	ششم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع خود خواهی	
اجرا: بعد از نمایش انیمیشن پرندگان، برداشت هر کودک بیان و پیرامون موضوع خود خواهی و ملاحظه کردن رفتار دیگران بحث شد.	هفتم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع مدیریت استفاده از فضای مجازی	
اجرا: بعد از شروع کلاس، با اشتراک گذاشتن عکس مفهومی، هر کودک برداشت خود را نسبت به عکس بیان کرد و کودکان درمورد نظرات مختلف خود بحث کردند.	هشتم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع اعتماد به خود	
اجرا: قبل از شروع کلاس، داستان «چکاوک و جوجه‌های جوانش» ارسال شد و در کلاس با همکاری تمامی افراد داستان بازگویی، مفاهیم مختلف توسط خود کودکان تعریف و به سؤالات از قبل آماده شده پاسخ داده شد.	نهم
هدف: تشکیل حلقه کندوکاو با موضوع اعتماد به خود	
اجرا: قبل از شروع کلاس، داستان «چکاوک و جوجه‌های جوانش» ارسال شد و در کلاس با همکاری تمامی افراد داستان بازگویی، مفاهیم مختلف توسط خود کودکان تعریف و به سؤالات از قبل آماده شده پاسخ داده شد.	جلسه دهم

پ. روش اجرا

در این پژوهش، آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان متغیر مستقل شامل ۹ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تمرینات برنامه فبک (هفته‌ای یک بار) با استفاده از منابع آموزشی مستند و موجود و به کارگیری روش اجتماعی پژوهش که تلفیقی از روش داستان و سؤال لیپمن و فیشر است، به شرکت کنندگان در طی دوره‌ای آموزش داده خواهد شد. منابع محتوای آموزشی انتخاب شده شامل عکس‌های مفهومی با موضوعات اهمیت کتاب و کتابخوانی و مدیریت استفاده از فضای مجازی، انیمیشن «زنان کوچک» با موضوع کنترل خشم، انیمیشن «پل» با موضوع موانع و دلایل همکاری، انیمیشن «پرندگان» با موضوع خودخواهی، داستان «سنباج‌ها وارد می‌شوند» با موضوع همدلی و همیاری، داستان «تو فقط شبیه خودت هستی» با موضوع خودآگاهی و درک و پذیرش خود، داستان «مرگ بالای درخت سیب» با موضوع زندگی و «مرگ و حکایت چکاوک و جوجه‌های جوانش» با موضوع اعتماد به خود بود. باید توجه داشت که این پژوهش با هر داستانی که نقش محرکی داشته باشد، قابل اجراست و هیچ گونه محدودیتی در تعداد و انتخاب نوع داستان وجود ندارد. بعد از انتخاب گروه نهایی پژوهش، پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۱، پرسشنامه ارزیابی سلامت روان کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۴ ساله (CSI-4 بر اساس DSM-IV) و پرسشنامه کیفیت زندگی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله^۲ برای هر دو گروه انجام شد. پس از انجام پیش آزمون، آموزش برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) با استفاده از گروه آزمایش آغاز شد و گروه گواه در حالت انتظار باقی ماند. این مداخله در ۱۰ جلسه (هفته‌ای یک بار)

۱. OHI

۲. PedsQL

انجام گرفت و در دو زمان متفاوت، یعنی در پایان مداخله و همچنین دو ماه بعد از آن، مجدداً آزمون بر هر دو گروه آزمایش و گواه انجام شد. در پایان تحلیل داده‌ها توسط نسخه ۲۴ نرم‌افزار SPSS و با استفاده با روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره انجام گرفت.

یافته‌ها

در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمرات کیفیت زندگی، شادکامی و سلامت روان در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به تفکیک گروه‌ها ارائه شده است. مقایسه دو گروه نشان می‌دهد که گروه مداخله در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون عملکرد بهتری داشته‌اند و کیفیت زندگی، شادکامی و سلامت روان آن‌ها بهبود یافته است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرها در گروه‌های مورد پژوهش

متغیر	گروه	آزمایش	کنترل
	مراحل آزمون	میانگین	انحراف معیار
عملکرد فیزیکی	پیش‌آزمون	۱۲/۱۴	۴۰/۱
	پس‌آزمون	۷۶/۱۵	۶۰/۱
	پیگیری	۷۱/۱۶	۶۱/۱
عملکرد عاطفی	پیش‌آزمون	۰۶/۱۰	۰۱/۲
	پس‌آزمون	۲۴/۱۱	۱۹/۲
	پیگیری	۷۶/۱۱	۱۶/۲
عملکرد اجتماعی	پیش‌آزمون	۶۵/۱۰	۴۹/۱
	پس‌آزمون	۹۴/۱۱	۵۶/۱
	پیگیری	۱۸/۱۲	۲۳/۱
عملکرد تحصیلی	پیش‌آزمون	۶۵/۹	۸۶/۱
	پس‌آزمون	۸۲/۱۰	۹۴/۱
	پیگیری	۰۶/۱۱	۸۸/۱
نمره کل کیفیت زندگی	پیش‌آزمون	۴۷/۴۴	۳۷/۲
	پس‌آزمون	۷۶/۴۹	۳۰/۲
	پیگیری	۷۱/۵۱	۹۶/۱
شادکامی	پیش‌آزمون	۰۰/۳۹	۷۱/۲
	پس‌آزمون	۰۰/۴۲	۶۴/۲۲
	پیگیری	۱۲/۴۳	۷۲/۲
سلامت روان	پیش‌آزمون	۱۲/۲۱	۸۶/۱
	پس‌آزمون	۲۴/۱۹	۶۰/۱
	پیگیری	۸۸/۱۸	۸۳/۱

جدول ۳. مقایسه دوبه‌دوی مراحل آزمون برای شادکامی دو گروه در پایان آموزش

مراحل	پیش‌آزمون - پس‌آزمون	پیش‌آزمون - پیگیری
متغیر	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت میانگین‌ها
شادکامی	۲/۸۴	۳/۹۱
عملکرد فیزیکی	۱/۶۰	۲/۴۸
عملکرد عاطفی	۱/۰۱	۱/۵۵
عملکرد اجتماعی	۱/۲۶	۱/۴۵
عملکرد تحصیلی	۱/۳۳	۱/۴۹
سلامت روان	-۲/۱۶	-۲/۶۰

قبل از اجرای آزمون کوواریانس^۱، پیش فرض‌های آن بررسی شدند. جهت بررسی همگونی خطای واریانس‌ها^۲، از آزمون لون استفاده شد. نتایج آزمون لون^۳ طبق جدول نشان داد خطای واریانس‌ها در شادکامی ($F=2/915$, $P=0/9$)، کیفیت زندگی ($P=0/18$)، سلامت روان ($F=1/872$) و سلامت روان ($F=0/155$, $P=0/69$) همگون است ($P>0/5$). برای اساس، گروه‌ها با یکدیگر قابلیت مقایسه دارند. نتایج آزمون ام‌باکس^۴ جهت بررسی همگنی واریانس-کوواریانس^۵ از لحاظ آماری معنادار نبود و این به معنای برقراری مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس بود ($\text{Box's } M=3/01$, $F=0/93$, $P=0/42$).

مقایسه دویه‌دوی آزمودنی‌ها در سه زمان متفاوت نشان می‌دهد میزان شادکامی در پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار است ($P<0/01$). در نتیجه، می‌توان گفت که میزان شادکامی به‌طور معناداری افزایش پیدا کرده و این افزایش به‌مرور زمان پایدار نیز مانده است. به‌علاوه، مقدار کیفیت زندگی با توجه به اندازه اثر بدین صورت است که در مرحله پس‌آزمون ۵۶ درصد تغییرات عملکرد فیزیکی، ۲۹ درصد تغییرات عملکرد عاطفی، ۵۰ درصد تغییرات عملکرد اجتماعی و ۷۰ درصد تغییرات عملکرد تحصیلی از تفاوت گروه‌های آزمون و کنترل و در مرحله پیگیری ۷۴ درصد تغییرات عملکرد فیزیکی، ۵۰ درصد تغییرات عملکرد عاطفی، ۵۶ درصد تغییرات عملکرد اجتماعی و ۵۱ درصد تغییرات عملکرد تحصیلی از تفاوت گروه‌های آزمون و کنترل ناشی می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که میزان کیفیت زندگی به‌طور معناداری افزایش پیدا کرده و این افزایش به‌مرور زمان پایدار نیز مانده است. مقایسه دویه‌دوی آزمودنی‌ها در میزان سلامت روان در پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری نشان داد که میزان سلامت روان به‌طور معناداری افزایش پیدا کرده و این افزایش به‌مرور زمان پایدار نیز مانده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال انجام شد. نتایج بیانگر آن بود که بین دو گروه آزمایش و گواه در متغیر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان در مرحله پس‌آزمون، مرحله پیگیری تفاوتی معنی‌دار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش دلیل و همکاران (۲۰۱۱) مبنی بر تأثیر برنامه بومی‌شده فبک بر افزایش خودکارآمدی، شادی و خوش‌بینی دانش‌آموزان دختر سال اول دوره متوسطه و نتایج پژوهش الظاهر و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان بر نتایج شناختی دانش‌آموزان همسو بود. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت فبک روشی در جهت پرورش تفکر استدلالی است که کودکان و نوجوانان را به بهبود شیوه تفکرشان در مورد جهان از طریق یک راهبرد ویژه آموزش با عنوان حلقه کندوکاو با درگیری آن‌ها در بحث‌های فلسفی تشویق می‌کند و موجب فراهم ساختن بافتی برای تفکر اخلاقی و تعلیمات اجتماعی می‌شود و فرصت‌هایی را برای نوجوانان برای ابراز ایده‌های خود با اعتمادبه‌نفس در فعالیتی که در انجام آن احساس راحتی می‌کنند، فراهم می‌کند. آموزش تفکر صحیح، یکی از بهترین راه‌های ارتقای مهارت‌های شناختی است که به کودکان و نوجوانان چگونگی تجزیه مسائل و رسیدن به نتیجه منطقی را می‌آموزد. مبنای فبک بر پایه رشد مهارت‌ها در گروه و در ارتباط‌های اجتماعی و متمرکز بر ایجاد کندوکاو فلسفی در کلاس درس است. اما از آنجاکه کودکان و نوجوانان برای خواندن متن‌های فلسفی نیازمند انگیزه هستند، مواد آموزشی که متیو لیمن برای کلاس درس‌ها طراحی کرده است، کتاب‌های داستان هستند؛ زیرا داستان به دلیل جذابیت و سروکار داشتن با احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوان زمینه بسیار خوبی برای ارائه مفاهیم فلسفی به نوجوانان است (لنج و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه لازمه شادکامی مثبت‌اندیشی و جست‌وجوی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و فبک با آموزش تفکر صحیح به ارتقای مهارت‌های شناختی و مثبت‌اندیشی در کودکان و نوجوانان کمک می‌کند و برنامه‌ای در جهت آموزش تفکر عمیق فلسفی است که قدرت استدلال، داوری و تمیز در کودکان و نوجوانان را پرورش

۱. Covariance

۲. Homogeneity of Errors

۳. Levene's Test

۴. Box's M Test

۵. Homogeneity of Covariance

می‌دهد و موجب پیشرفت حداقل سه گونه تفکر نقادانه، تفکر خلاقانه و تفکر مراقبتی در ایشان می‌شود، می‌توان ادعا کرد که این برنامه یکی از مناسب‌ترین روش‌های تربیتی است که به تربیت شهروندان آگاه، فکور و مسئول منجر می‌شود و شرایط زندگی در یک جامعه پویا و سالم را فراهم می‌کند که راهی است به سوی رشد اخلاقی (ناجی و همکاران، ۲۰۱۷).

پژوهش حاضر مبنی بر اینکه تعیین اثربخشی برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر کیفیت زندگی کودکان ۹ تا ۱۲ سال تأثیر دارد، با یافته‌های (۲۱) همسوست. در تبیین اثربخشی برنامه فبک بر کیفیت زندگی کودکان می‌توان گفت که این برنامه با ایجاد تغییرات مثبت در نگرش و مهارت‌های کودکان، زمینه را برای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها فراهم می‌کند. فبک با پرورش تفکر انتقادی و خودآگاهی، به کودکان کمک می‌کند تا به جای پذیرش ساده مسائل، به آن‌ها عمیق‌تر بیندیشند و به دنبال دلایل و پاسخ‌های منطقی باشند. این توانایی می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای روزمره کودکان منجر شود که بخش مهمی از کیفیت زندگی است. همچنین، شرکت در بحث‌های فلسفی و تعامل با دیگران در چهارچوب فبک، مهارت‌های ارتباطی و درک متقابل را در کودکان تقویت می‌کند. وقتی کودکان یاد می‌گیرند که دیدگاه‌های مختلف را بشنوند و به آن‌ها احترام بگذارند، روابط بین فردی سالم‌تری خواهند داشت. این مهارت‌ها به کودکان کمک می‌کند تا در موقعیت‌های اجتماعی مختلف عملکرد بهتری داشته باشند و از تعاملات خود رضایت بیشتری کسب کنند که بر کیفیت کلی زندگی آن‌ها تأثیر مثبت خواهد داشت (پالا و همکاران، ۲۰۲۳). وقتی کودکان از طریق فبک یاد می‌گیرند که مسائل پیچیده را بهتر درک و تحلیل کنند، احساس کنترل و تسلط بیشتری بر زندگی خود پیدا می‌کنند (جنکیس و همکاران، ۲۰۱۰). این احساس خودکارآمدی و کنترل می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی کودکان کمک کند که از مؤلفه‌های اصلی کیفیت زندگی هستند.

پژوهش نشان داد که برنامه فبک به طور معناداری سلامت روان کودکان را بهبود می‌بخشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو بود (کبیری و همکاران، ۲۰۲۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت که برنامه فبک با ایجاد فضایی امن و حمایتی برای بیان افکار و احساسات، به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های مقابله با چالش‌های روزمره را بیاموزند. وقتی کودکان در جلسات فبک شرکت می‌کنند، فرصت می‌یابند تا نگرانی‌ها و مشکلات خود را در فضایی پذیرا و همدلانه مطرح کنند (جنکیس و همکاران، ۲۰۱۰). این تجربه به آن‌ها کمک می‌کند تا احساس تنهایی و انزوا را کاهش دهند و حمایت اجتماعی بیشتری دریافت کنند که برای سلامت روان بسیار مهم است. فبک با تشویق کودکان به تفکر عمیق درباره احساسات و افکار خود، به آن‌ها کمک می‌کند تا خودآگاهی هیجانی بیشتری پیدا کنند. وقتی کودکان بتوانند احساسات خود را بهتر بشناسند و بیان کنند، توانایی بیشتری برای مدیریت و تنظیم هیجانات خود خواهند داشت. این مهارت‌ها به کاهش استرس، اضطراب و سایر مشکلات هیجانی کمک می‌کند که برای حفظ سلامت روان ضروری هستند (الظاهری و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، تعامل با همسالان و شرکت در گفت‌وگوهای فلسفی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند. وقتی کودکان بتوانند به شکل مؤثری با دیگران ارتباط برقرار کنند و روابط سالمی داشته باشند، احساس تعلق و پذیرش بیشتری خواهند داشت که برای بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها اهمیت زیادی دارد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) بر شادکامی، کیفیت زندگی و سلامت روان کودکان ۹ تا ۱۲ سال شهر تهران تأثیر معنادار دارد و باعث بهبود عملکرد آنان شده است و این یافته‌ها با پژوهش‌های گذشته همسو بود. محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که بر روی کودکان پایه سوم تا ششم دبستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ اجرا شده و تعمیم نتایج آن به دیگر شهرها باید با احتیاط صورت گیرد. یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر صرفاً محدود به جامعه کودکان پایه سوم تا ششم دبستان است و تعمیم آن به جوامع آماری و گروه‌های دیگر می‌بایست با احتیاط صورت بگیرد. به علت مشکلات اجرایی، آزمون پیگیری در فاصله کوتاهی انجام شد و نتایج از نظر بررسی‌های پیگیری طولانی مدت با محدودیت روبه‌روست. علاوه بر آن، روش نمونه‌گیری در دسترس و عدم همگنی نمونه از لحاظ موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دیگر محدودیت‌های پژوهشی است.

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که برنامه درسی فلسفه برای کودکان (فبک) در مدارس به کار گرفته شود. این برنامه می‌تواند به پرورش مهارت‌های تفکر فلسفی و فلسفه‌ورزی دانش‌آموزان کمک کند و توانایی‌های آنان را در اندیشیدن و حل مسائل بهبود بخشد. همچنین، در نظر گرفتن رفتار فارغ‌التحصیلان مراکز مختلف آموزشی و نحوه برخورد آن‌ها با جامعه و ارزش‌های

اجتماعی می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت سیستم‌های آموزشی کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران پژوهش‌های مشابهی را در سایر شهرها و فرهنگ‌ها انجام دهند و اختلافات فرهنگی را در نظر گیرند و بررسی کنند. همچنین، انجام آزمون‌های پیگیری در بازه‌های زمانی ۶ ماه و ۱ سال می‌تواند به ارزیابی تأثیرات بلندمدت این برنامه کمک کند. بررسی دقیق‌تر شواهد موجود در زمینه عدم توانایی برنامه‌های آموزشی جاری در رشد تفکر انتقادی و خلاقیت می‌تواند به پژوهش‌های آتی در این حوزه کمک کند.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول در رشته روان‌شناسی است. همه شرکت‌کنندگان قبل از شرکت در مطالعه رضایت آگاهانه به صورت کتبی ارائه کردند. از حریم خصوصی و محرمانه بودن اطلاعات و داده‌های شخصی همه شرکت‌کنندگان محافظت شد و هنگام مدیریت و ذخیره داده‌ها از تکنیک‌های ناشناس‌سازی استفاده گردید.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در اجرای مراحل پژوهش شامل ارائه طرح اولیه، گردآوری و تحلیل داده و نگارش مقاله مشارکت داشتند.

تضاد منافع

انجام این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تعارض در منافع را به دنبال نداشته و نتایج آن به صورت کاملاً شفاف و بدون سوگیری، گزارش شده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب قدردانی خود را از والدین و دانش‌آموزانی که با همکاری صمیمانه خود در انجام این پژوهش، نویسندگان را یاری کردند، ابراز می‌دارند.

References

- Aghdam, Z. O., Atadokht, A., & Basharpour, S. (2020). The effectiveness of parent-child relationship-based Game Therapy on quality of life in preschool children. *Journal of Health Promotion Management*, 9(3), 1-9. https://mail.jhpm.ir/browse.php?a_id=1058&sid=1&slc_lang=en&ftxt=1
- Barclay, K., & Myrskylä, M. (2016). Maternal age and offspring health and health behaviours in late adolescence in Sweden. *SSM-population health*, 2, 68-76. [10.1016/j.ssmph.2016.02.012](https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2016.02.012)
- Park, A. L., Fuhrer, R., & Quesnel-Vallée, A. (2013). Parents' education and the risk of major depression in early adulthood. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 48, 1829-1839. [10.1007/s00127-013-0697-8](https://doi.org/10.1007/s00127-013-0697-8)
- Guo, V. Y., Wong, C. K., Wong, R. S., Yu, E. Y., Ip, P., & Lam, C. L. (2018). Spillover effects of maternal chronic disease on children's quality of life and behaviors among low-income families. *The Patient-Patient-Centered Outcomes Research*, 11, 625-635. [10.1007/s40271-018-0314-8](https://doi.org/10.1007/s40271-018-0314-8)
- KHOUSH, K. A. G., & KESHAVARZ, A. H. (2008). The relationship between the happiness and mental health. *Journal of Behavior in Clinical Psychology*, 2 (7): 41-52. <https://sid.ir/paper/172195/en>
- Radmehr, M., Pelarak, F., & Khosropanah, M. H. (2021). Investigation of Health Status and Quality of Life of Children with Hearing Disabilities and their Relationship with Children's Demographic Characteristics. *Journal of Pediatric Association*, 7(3);21-28. <http://jpen.ir/article-1-517-en.html>
- Jalali-Farahani, S., Amiri, P., Karimi, M., & Azizi, F. (2020). The association between parents and offspring health-related quality of life: Tehran Lipid and Glucose Study. *Payesh (Health Monitor)*, 19(5), 559-568. [10.29252/payesh.19.5.559](https://doi.org/10.29252/payesh.19.5.559)
- Saneie, E., & Raeisoon, M. (2020). Role of social skills in predicting the students' sense of coherence and quality of school life. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 7(2), 96-107. [10.29252/jcmh.7.2.9](https://doi.org/10.29252/jcmh.7.2.9)
- Costa, A. L. S., Heitkemper, M. M., Alencar, G. P., Damiani, L. P., da Silva, R. M., & Jarrett, M. E. (2017). Social support is a predictor of lower stress and higher quality of life and resilience in Brazilian patients with colorectal cancer. *Cancer nursing*, 40(5), 352-360. [10.1097/NCC.0000000000000388](https://doi.org/10.1097/NCC.0000000000000388)
- Malboeuf-Hurtubise, C., Léger-Goodes, T., Mageau, G. A., Joussemet, M., Herba, C., Chadi, N., ... & Gagnon, M. (2021). Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, 107, 110260. [10.1016/j.pnpbp.2021.110260](https://doi.org/10.1016/j.pnpbp.2021.110260)

- Leng, L. (2020). The role of philosophical inquiry in helping students engage in learning. *Frontiers in psychology*, 11, 449. [10.3389/fpsyg.2020.00449](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00449)
- Khosronejad, M. (2020). Dialogue with the third party: A study of literary and philosophical dilemmas in the promotion and research of P4C in Iran. *Iranian Children's Literature Studies*, 10(2), 169-200. [10.22099/jcls.2020.5607](https://doi.org/10.22099/jcls.2020.5607)
- Lam, C. M. (2012). Continuing Lipman's and Sharp's pioneering work on philosophy for children: Using Harry to foster critical thinking in Hong Kong students. *Educational Research and Evaluation*, 18(2), 187-203. [10.1080/13803611.2012.658669](https://doi.org/10.1080/13803611.2012.658669)
- Pala, F. (2022). The effect of philosophy education for children (P4C) on students' conceptual achievement and critical thinking skills: A mixed method research. *Education Quarterly Reviews*, 5(3). <https://ssrn.com/abstract=4160277>
- Jenkins, P., & Lyle, S. (2010). Enacting dialogue: The impact of promoting philosophy for children on the literate thinking of identified poor readers, aged 10. *Language and Education*, 24(6), 459-472. [10.1080/09500782.2010.495781](https://doi.org/10.1080/09500782.2010.495781)
- Daniel, M. F., & Auriac, E. (2011). Philosophy, critical thinking and philosophy for children. *Educational Philosophy and Theory*, 43(5), 415-435. [10.1111/j.1469-5812.2008.00483.x](https://doi.org/10.1111/j.1469-5812.2008.00483.x)
- Alzahrani, E. A., & Almutairi, A. (2023). Philosophy for children in Saudi Arabia and its impact on non-cognitive skills. *Childhood & Philosophy*, 19. [10.12957/childphilo.2023.75190](https://doi.org/10.12957/childphilo.2023.75190)
- Karadag, F., & Yildiz Demirtas, V. (2018). The Effectiveness of the Philosophy Curriculum with Children on the Critical Thinking Skills of Preschool Children. *Education and Science*, 43(195). [10.15390/EB.2018.7268](https://doi.org/10.15390/EB.2018.7268)
- Kabiri, A., & Vahedi, M. (2022). The effectiveness of technology-enhanced program of philosophy for children on happiness and rumination thoughts of Orphaned and abused girl children. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 13(49), 163-192. [10.22054/qccpc.2021.59394.2658](https://doi.org/10.22054/qccpc.2021.59394.2658)
- Vansieleghem, N., & Kennedy, D. (2011). What is philosophy for children, what is philosophy with children—after Matthew Lipman?. *Journal of Philosophy of Education*, 45(2), 171-182. [10.1111/j.1467-9752.2011.00801.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2011.00801.x)
- Barani, S. M., Bahmani, T., & Barani, S. M. A. (2024). Effect of Philosophy for Children Curriculum on Life Skills Development in Fifth Grade Students Attending Public Elementary Schools in Behbahan. *Thinking and Children*, 14(2), 27-49. [10.30465/fabak.2024.9275](https://doi.org/10.30465/fabak.2024.9275)
- Alipour, A., & Agah Heris, M. (2007). Reliability and validity of the Oxford Happiness Inventory among Iranians. https://journals.iau.ir/article_512394_bec76911dc7d84bbabdb3283f3e58b75.pdf
- Ismail, M. (2002). Validity and reliability of CSI-4 questionnaire. *Quarterly Journal of Research in Exceptional Children*, 3(3), 241-254.
- Delavar, A., & Shekahi Amirabadi, L. (2019). Examining the state of happiness and life satisfaction of students during the crisis of the new coronavirus disease (COVID-19). *Educational Psychology Quarterly*, 16(55), 1-25. [10.22054/jep.2020.52767.3018](https://doi.org/10.22054/jep.2020.52767.3018)
- Zulkifli, H., & Hashim, R. (2020). Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(2), 29-45. [10.26803/ijlter.19.2.3](https://doi.org/10.26803/ijlter.19.2.3)
- Varni, J. W., Burwinkle, T. M., Seid, M., & Skarr, D. (2003). The PedsQL™ 4.0 as a pediatric population health measure: Feasibility, reliability, and validity. *Ambulatory Pediatrics*, 3(1), 29-41. [10.1367/1539-4409\(2003\)003<0329:TPAAPP>2.0.CO;2](https://doi.org/10.1367/1539-4409(2003)003<0329:TPAAPP>2.0.CO;2)
- Mohamadian, H., Akbari, H., Gilasi, H., Gharlipour, Z., Moazami, A., Aghajani, M., ... & Azar Abdad, A. (2014). Validation of pediatric quality of life questionnaire (PedsQL) in Kashan city. *J Ilam Univ Med Sci*, 22(3), 10-8. <http://sjimu.medilam.ac.ir/article-1935-1-fa.html>
- Cassidy, C. (2023). Rethinking philosophy for children: Agamben and education as pure means. *Journal of Philosophy of Education*, 57(3):774-779. <https://doi.org/10.1093/jopedu/qhad041>